

گفت‌وگوی تمدن‌ها فرصت یا تهدید

محسن غروی‌ان

خردادنامه، ش ۶۶، ۱۳۰۴/۴/۸۲



چکیده: نویسنده در این مقاله، از تعریف تمدن اسلامی از دیدگاه جامعه‌شناسی و بیان معانی تمدن و فرهنگ نتیجه می‌گیرد که گفت‌وگوی تمدن‌ها، گفت‌وگوی فرهنگ‌هاست. نویسنده، ضمن این‌که گفت‌وگوی تمدن‌ها را فرصت می‌شمارد، آن را در صورتی که دست‌اندرکاران با تمدن اسلامی آشنایی نداشته باشند، نوعی تهدید می‌انگارد و در قسمتی از مقاله نتایج مفید و ثمر بخش گفت‌وگوی تمدن‌ها را برشمرده و شناخت و کشف عوامل شکوفایی تمدن اسلامی را از جمله نتایج گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌داند. در بخشی از این مقاله، بحثی تحت عنوان «دیدگاه قرآن» مطرح شده و از آیات سیر در ارض (قل سیروا فی الارض)، به عنوان نتایج و دستاوردهای سیر در زمین و گفت‌وگوی تمدن‌ها یاد کرده، و معتقد است که باید با ابزار عقلانیت و برهان به دور از جدل و مغالطه، به گفت‌وگوی تمدن‌ها دست یافت در این باره به آیاتی از قرآن کریم استناد نموده است. در عین حال نویسنده با استناد به آیه ۱۲۵ سوره نحل معتقد است با جدل می‌توان به گفت‌وگوی تمدن دست یافت.

برخی در تعریف «تمدن اسلامی» گفته‌اند: مجموعه هماهنگ و سازمان یافته‌ای از عقاید، باورها، سنن، خلاقیت‌ها، اختراعات و فنون و علوم که به نحوی از انحاء، متأثر از اندیشه اسلامی بوده و در جامعه متمایز یعنی، جامعه ایرانی و اسلامی فراهم آمده باشد. به عقیده «آرنولد توین‌بی» تمدن اسلامی، محصول ترکیب دو جامعه عرب است. اما می‌توان گفت: تمدن اسلامی، تمدن شرق قرون وسطی است که بنیان‌گذاران آن فقط ایرانی و عرب مسلمان نبودند، بلکه به‌طور محدود، مسیحیان و یهودیان نیز در آن مشارکت داشتند. بنابراین، نام

گذاری چنین تمدنی به «تمدن اسلامی»، بدین لحاظ است که وجه غالب کسانی که به آفرینش این تمدن همت گماشتند، مسلمانان بودند، یعنی، اقوام، ملیت‌ها و نژادهای مختلفی که وجه مشترک آنها را اعتقادات و اندیشه‌های اسلامی تشکیل داده است.

در تعاریفی که از «تمدن» و «فرهنگ» ارائه شده است، گاهی تمدن، صورتی از فرهنگ محسوب می‌شود برخی معتقدند: زمانی از تمدن سخن می‌رود که ارزش‌های کلی‌تر و در زمینه اجتماعی وسیع‌تری مورد نظر باشند. و گاهی، تمدن در نقطه مقابل فرهنگ تعریف می‌شود و در این صورت، معنای فرهنگ تغییر کرده، همه عقاید و آفرینش‌های انسانی مربوط به اسطوره، دین، تفسیر و ادبیات را شامل می‌شود و حال آنکه تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره دارد.

از دیدگاه عده‌ای از صاحب‌نظران، اگر تاریخی بودن «تمدن» و غیر تاریخی بودن «فرهنگ» را بپذیریم، می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ، به عالم موجود زنده و متجدد تعلق دارد، اما تمدن، به اموری مربوط است که غالباً دوران آن به سر آمده و صرفاً گزارش‌ها و آثار آن، به صورت اموری متجسد و محسوس در اختیار ماست و البته این امور می‌توانند منشاء اثر باشند. گفت‌وگوی تمدن‌ها را می‌توان به نحوی، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها دانست. فرهنگ اسلامی یک فرهنگ متحرک و پویا در عرصه جهانی است که، می‌تواند قدرت و توانایی خود را، برای ساماندهی وضعیت حیات بشری نشان دهد.

به نظر می‌رسد، موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها برای ما، فرصت خوبی است که در سطح جهانی، فرهنگ و تمدن اسلامی را با منطق و استدلال ارائه دهیم و بشریت تشنه معاصر را با مبانی معارف اسلامی آشنا کنیم.

گرچه گفت‌وگوی تمدن‌ها، می‌تواند برای ما تهدیدی نیز به شمار آید. نتایج مفید و ثمربخش گفت‌وگوی تمدن‌ها را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱. کشف و شناسایی عوامل شکوفایی تمدن اسلامی؛

۲. کشف و شناسایی عوامل انحطاط تمدن اسلامی؛

۳. شناخت نقاط عطف و برجسته تمدن اسلامی؛

۴. تکذیب و نقد اظهارات شرق شناسان؛

۵. بازیابی هویت اسلامی مسلمانان، در جهت اتکاء برگزیده درخشان خویش و اجتناب

از احساس از حقارت و بی‌هویتی آنان؛

۶. کسب وجوه و تجربه‌های مثبت دیگران، «خذ العلم و لو من اهل الضلال»؛ «علم را - ولو از اهل گمراهی - بگیرید.

دیدگاه قرآن

براساس آیات قرآن امور زیر را می‌توان به عنوان نتایج و دستاوردهای سیر در زمین و گفت‌وگوی تمدن‌ها برشمرد:

۱. آگاهی از سرنوشت تمدن‌های گذشته؛ ۲. بدست آوردن قلب و عقل لازم، برای دریافت حقایق؛ ۳. آشنایی با سرانجام شوم ظالمان و زورمندان؛ ۴. آگاهی از قدرت و غلبه الاهی بر تمدن‌های مبتنی بر کذب و فریب؛ ۵. آشنایی با سرانجام خفت‌بار تمدن‌های مبتنی بر جرم و جنایت.

دیدگاه قرآن، در باب گفت‌وگوی تمدن‌ها این است که، مسلمانان باید براساس عقلانیت و با سلاح منطقی و برهان وارد صحنه‌های گفت‌وگو شوند، خداوند به صاحبان همان تمدن‌ها می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ
وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ
تِلْكَ أُمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۳

از آیات فوق به نحوی به دست می‌آید که براساس دیدگاه قرآن، روش اصلی و ابتدایی ما در گفت‌وگوی تمدن‌ها در عصر حاضر، بایستی روش برهانی باشد و در وهله اول، باید از روش‌های جدلی و مغالطه‌ای پرهیز نماییم. اما در صورت نیاز و برای مقابله با سیاسیون جدلی و سیاست‌مداران مغالطه‌گر - که در دنیای امروز تعدادشان اندک نیست - باید با انواع و اقسام شیوه‌های جدل و مغالطه آشنا باشیم. قرآن کریم، به سه شیوه برهان (حکمت)، خطابه و جدل اشاره می‌کند و می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بَأْتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۴ برخی چنین می‌پندارند که صرف گفت‌وگو و تعامل بین ادیان و تمدن‌ها مطلوبیت ذاتی دارد! درحالی‌که از دیدگاه قرآن، این مباحث و گفت‌وگوها، صرفاً به عنوان ابزاری برای نیل به خیر و تقوی و حقیقت‌تلقی می‌شوند.

بازتاب اندیشه ۶۶
گفت‌وگوی
تمدن‌ها
فرصت یا
تهدید

۳. بقره، ۲: ۱۱۱

۲. مؤمنون، ۲۳: ۱۱۷

۱. نساء، ۴: ۱۷۴

۴. نمل، ۲۷: ۱۲۵

● اشاره

۱. واژه تمدن، مصدر یاب تفاعل و مأخوذ از ریشه (م د ن) می باشد، به معنای قبول اسباب و اسالیب شهرنشینی و از حالت خشونت و جهل، به حالت معرفت منتقل شدن می باشد. تمدن اسلامی، متأثر از اندیشه اسلامی نیست، بلکه تمدن اسلام، اساساً به وجود آمده از اندیشه اسلامی است و بنیان گذار تمدن اسلامی، پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت آن حضرت می باشند؛ چون جامعه عرب، قبل از طلوع خورشید اسلام، صاحب تمدن درخشان نبوده تا پایه گذار تمدن اسلامی باشد. بنابراین، پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت آن حضرت، بر اساس قرآن کریم که ارائه دهنده بهترین و عالی ترین حیات برای انسان است، به پایه گذاری تمدن اسلامی پرداخته اند. آداب و رسوم جاهلی، تا اندازه ای در بین اعراب رایج و در فکر آنها، رسوخ نموده که آنها پس از بعثت رسول خدا، با آن حضرت به مبارزه و جنگ برخاستند تا اینکه حضرت از مکه به یثرب هجرت نمود و تمدن اسلامی، با تغییر یافتن نام این شهر به مدینه النبی، به میمنت مقدم مبارکش آغاز شد و برادری و دوستی، جای خشونت و تعصبات قبیلگی را گرفت و قانون الاهی، به تدریج با نام «قرآن کریم» به پیامبر ابلاغ شد و پیامبر اکرم، به مرور زمان به تدریج به اجرای این قوانین پرداخت و پس از چندین سال کوشش سرسختانه توانست به کلی آداب و رسوم جاهلی را از افکار عرب، پاک و به جای آن فرهنگ متعالی اسلام را در جزیره العرب جاری نماید و تمدن درخشان اسلام را پایه گذاری نماید. بنابراین برخلاف دیدگاه نویسنده محترم باید گفت تمدن اسلامی را نمی توان متأثر از اندیشه های اسلامی دانست، بلکه تمدن اسلامی با قالب و آموزه های اندیشه اسلامی به وجود آمده است هر چند در این تمدن سازی از آموزه های اسلامی به طور کامل استفاده نشد.

۲. تمدن و فرهنگ، دو چیز متعارض و یا متمایز از هم نیستند، بلکه فرهنگ، شالوده تمدن است و فرهنگ، به منزله تئوری برای تمدن سازی و برنامه به وجود آورنده تمدن است، تمدن ها، اعم از قوانین اجرائی و مدنی و یا مصادیق عینی تمدن، برگرفته از کتاب قانون و فرهنگ است، که تمدن اسلامی برگرفته از قوانین قرآن است. رفتاری که از یک شهروند مسلمان و باتقوا در جامعه نسبت به هم نوعان دیگر صادر می شود، برگرفته از قرآن می باشد. بنابراین، فرهنگ، شالوده تمدن و بطن آن می باشد؛ لذا، نمی توان تمدن را در نقطه مقابل فرهنگ تعریف کرد و آن را متمایز از هم دانست. برای مثال، قرآن کریم از مقام علم سخن گفته و به آموختن علم تشویق می نماید و پیامبر اکرم ﷺ نیز، به این معنا تأکید دارد و ساختن مساجد و تعمیر آنها از دیدگاه قرآن یک ویژگی ممتاز است،^۱ وقتی این دستورالعمل در جامعه عینیت پیدا کرد و گسترده شد و دانشگاه ها و مراکز علمی، برای

بازتاب اندیشه ۶۶

۳۶
گفت و گوی
تمدن ها
فرصت یا
تهدید

یادگیری و گسترش علم تأسیس گردید، تمدن اسلامی، برگرفته از فرهنگ قرآن و سیره پیامبر عینیت می‌یابد، یعنی آنچه در طول تاریخ تا به امروز به عنوان تمدن اسلامی شناخته می‌شود، برگرفته از فرهنگ اسلام است.

۳. آنچه درباره دیدگاه قرآن، در مقوله گفت‌وگویی تمدن‌ها مطرح شده و از آیات «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» این نتایج اخذ گردید، ظاهراً جای تأمل دارد زیرا خطاب قرآن در آیات مورد نظر، غالباً برای شناساندن تمدن‌هاست. مسلمانان را برای عبرت‌پذیری از گذشته تمدن‌ها و انحطاط آنها و سرنوشت صاحبان آنها فرا می‌خواند که جنبه معرفتی و بیشتر اخلاقی و تربیتی در پی دارد. درحالی‌که موضوع گفت‌وگویی تمدن‌ها و بحث فعلی آن که در جامعه مطرح است، تعامل تمدن‌های بزرگ فعلی با همدیگر است، نه آنچه در گذشته، تمدن‌ها با آن مسائل روبرو بوده‌اند. بنابراین آیات کریمه، نمی‌تواند برای موضوع گفت‌وگویی تمدن‌ها که فعلاً مطرح است، مستند قرار گیرد؛ باید به آیاتی استناد شود که به راه‌کارهای تعامل و گفت‌وگو و از بین بردن فاصله‌ها و اختلاف و پیشگیری از مسائل تنش‌زا پرداخته‌اند مانند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم...»^۱

یا سیره پیامبر اکرم ﷺ تمام سران و پادشاهان جهان را با نامه‌های خود، به وحدت و یگانگی و توحید دعوت نمود و این آیه کریمه را در صدر نامه‌ها مرقوم می‌فرمود.^۲

همچنین در این مقوله، می‌توانیم به سیره اهل بیت آن حضرت مراجعه کنیم، چنان‌که برخی از ائمه با رهبران سایر مذاهب و ادیان به گفت‌وگو و مجادله پرداخته‌اند. نظیر آنچه در دوره امام رضا علیه السلام که خلیفه عباسی، زمینه گفت‌وگویی امام با رهبران و نخبگان سایر تمدن‌ها از هند و روم و... را فراهم نمود و امام علیه السلام با مجادله احسن و استناد به کتاب‌های آسمانی آنها، نتایج بی‌شماری از این گفت‌وگو برای اسلام به بار آوردند.^۳ که بهترین نتیجه گفت‌وگویی امام با رهبران ادیان مختلف، شناساندن اسلام و شناخته شدن جایگاه و منزلت واقعی اهل بیت به جهان بود.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. آل عمران، ۶۴:۳. ۲. احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۹۷

۳. رک. شیخ صدوق، توحید، ص ۴۲، باب ذکر مجلس الرضا علیه السلام